

آفاق حکمت سهروردی

تالیف و ترجمه
حسن سید عرب

نشر نور اشراق

۱۴۰۲

سرشناسه	: سید عرب، حسن ۱۳۴۳-
عنوان و نام پدیدآور	: آفاق حکمت سهروردی / نوشته حسن سیدعرب.
مشخصات نشر	: تهران: نور اشراق، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۰ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: 978-622-92763-6-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: سهروردی، یحیی، بن حبش، ۹۵۴۹-۵۸۷ق. - نقد و تفسیر
موضوع	: فلسفه اسلامی Islamic philosophy عرفان Mysticism
رده بندی کنگره	: BBR۷۷۱
رده بندی دیویی	: ۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۲۱۲۳۱۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



آفاق حکمت سهروردی

تألیف و ترجمه حسن سیدعرب

ناشر: نور اشراق

چاپخانه: چاپ بصیرت

چاپ اول، ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

«حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است»

تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۲۶۶۰۰

همراه: ۰۹۰۱-۱۸۰۵۵۲۸

صفحه اینستاگرام: noore_eshraq.pub

نشانی الکترونیکی: nooreeshraq.pub@gmail.com

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۷۶۳-۶-۵

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳	بخش اول: اندیشه سهروردی
۱۵	آفاق حکمت سهروردی
۲۷	اندیشه‌های افلاطونی در حکمت اشراق سهروردی
۴۵	حکمت مشاء و معارف شیعی در اندیشه سهروردی
۵۷	بخش دوم: درباره برخی از آثار سهروردی
۵۹	آواز پر جبرئیل
۶۷	الأربعون الأسماء
۸۱	الألواح العمدیة
۱۰۵	بستاناقلوب
۱۲۱	کلمة التصوف / مقامات الصوفیة
۱۳۷	گفتوگو درباره حکمت اشراق
۱۵۳	منابع
۱۶۳	نمایه

مقدمه

سهروردی به معنای امروزی، نخستین فیلسوف فرهنگ در فلسفه اسلامی است. او در حوزه اندیشه ایرانی و اسلامی اندیشید و به جای توضیح و تفسیر تفکر فلسفی آن عصر در سه حوزه قدسی و تمدنی اسلام و ایران و یونان، آنها را به گفت و گو با یکدیگر واداشت. لذا به آنها نه به عنوان وسیله بلکه به عنوان پدیداری که در جوهر خود مشترکاتی دارند، التفات کرد و این که خود را احیاء کننده فرهنگ ایران می دانند، ناظر به این استحضار و اشتراک است. از این منظر، فلسفه اشراق سهروردی نه جهل بلکه ابداع است.

همچنین سهروردی به نقد فلسفی سیاست و اجتماع عهد خود پرداخت. او این سخنان افلاطون را که «شرف و فضیلت سیاست به فلسفه است» در زندگی و مرگ خویش متحقق کرد. از سخنان وی در حکمة الاشراق پیداست که وی در «زمان» خود زندگی می کرده و بنیان های متافیزیکی موجب نگرید تا از «اکنون» غفلت کند و بیش از اندیشیدن درباره آینده و دل بستن به آنچه در آن وضعیت رخ خواهد داد به «حال» فکر می کرد. معهذا موفق شد تا برای نیل به مدینه فاضله، «اکنون» را فدای آینده نکند. تفاوت عمده سهروردی با کسانی که کمر به قتل او بستند در این بود که در حکمت وی ایمان و اندیشه به تقابل با یکدیگر پافشاری نمی کنند و این حقیقتی است که مخالفان او از آن بی بهره بودند. حاصل تقابل ایمان و اندیشه، خشونت و الحاد است.

ارزیابی وضعیت سهروردی پژوهی ارتباط مستقیم با وضعیت فلسفه دارد. فلسفه امروز، تابع وضعیت امروز است. امروز فلسفه تنها به تقلید و تفتن بر زبان‌ها تکرار می‌شود و کمتر دغدغه حقیقت جویی دارد در حالی که این حقیقت با رسوخ در اندیشه، به ظهور واقعی خود نایل می‌شود. در جوامع دینی هم که به فلسفه اقبال می‌شود آن را با یقین دینی، ارضاء کرده و در میان راه وامی‌گذارند. وقتی حقیقت فلسفه که غایت آن ادراک حقیقت است به روزمره گی ملال آور مبدل شود، به تبع آن و به طور طبیعی برهان و استدلال نیز به جدل و مغالطه تبدیل می‌شود و مسائل فلسفه هم به مسلمات و مشهورات نزول می‌یابند. فلسفه امروز، دنیوی و ملتهب و بحرانی است و فقدان ربط میان محسوس و معقول، موجب انکار متافیزیک شده است. آدمی از بصیرت به بصر و از پدیدار به شیء نزول کرده و بی آنکه از عقل سخن بگوید، عقل‌گریز شده و میان نظر و عمل او انفصال واقع شده است. بنابراین در هیچ عرصه‌ای از تاریخ تا به این حد در قحط معنا و خلأ اشراقی و بیگانگی با هستی به سر نبرده است. اولویت دموکراسی بر فلسفه ناظر به عمل، عرفی شدن دین و نسبی‌گرایی از نشانه‌های فقدان تفکر فلسفی در معنای مابعدالطبیعی آن است.

به هر حال، اندیشه‌های شهاب الدین سهروردی در دو حوزه فرهنگ و فلسفه حائز اهمیت است. در قسم نخست، وی از آموزگاران بزرگ حکمت و فلسفه در تاریخ فلسفه اسلامی است و آنچه امروزه به نام حکمت اشراق نامیده می‌شود به اندیشه‌های او اختصاص دارد. در قلمرو فرهنگ نیز تأملات او درباره میراث کهن فکری ایران و یونان، اندیشه او را متمایز از دیگر متفکران عهد اسلامی می‌کند. این دو بخش در اندیشه سهروردی مکمل یکدیگر بوده و در معنا نیز جدایی ناپذیرند و این عدم تفکیک امروزه ما را بر آن می‌دارد که بیش از پیش به اندیشه‌های او توجه کنیم.

بر اساس آنچه در منابع موجود درباره زندگی سهروردی گزارش شده باید گفت که آگاهی ما درباره زندگی او بسیار اندک است و این معضل

خود به خود تحقیقات این زمینه را محدود می‌کند. این نقص تا اندازه‌ای مربوط به زندگی کوتاه او است و در واقع عمر کوتاه او مجال گسترده‌تری برای تفصیل گزارشگران و شرح حال‌نویسان نگذاشته است. البته امروز اگر شرح حال خودنوشت سهروردی را هم در دست داشتیم در مقابل این پرسش قرار می‌گرفتیم که تا چه اندازه‌ای می‌توان میان زندگی و ساحت اندیشه یک متفکر نسبت برقرار کرد؟ صرف نظر از پاسخ این پرسش، باید دانست که هرگونه توجه به آن، موجب ورود ما به نظریه‌های رایج فلسفه تاریخ و نیز نقد روش‌های متداول در تاریخ‌نویسی فلسفه می‌شود.

نوشته حاضر مشتمل بر دو بخش ترجمه و تألیف است. بخش ترجمه برگزیده‌ای از مقالات عربی بوده که توسط سهروردی‌شناسان مهم عرب زبان تألیف شده است. بخش تألیف نیز اختصاص به مقالاتی دارد که موضوع هر یک از آنها آثار فلسفی و یا عرفانی سهروردی است.